

# آشنایی و مقابله با جنگ ترکیبی

ترجمه:

جواد باجلانی



انشارات دانشگاه غیررسمی آفاق

## فهرست

۱	بخش اول: آشنایی و مقابله با جنگ ترکیبی
۲	چکیده:
۴	مقدمه:
۶	تشریح جنگ هیبریدی:
۷	آشنایی با جنگ هیبریدی:
۸	ساخت چارچوب تحلیلی:
۱۴	به کارگیری چارچوب تحلیلی در یک مطالعه موردی تجربی
۱۸	خطوط مبنا، آستانه‌ها و شاخص‌ها:
۱۹	نظارت در زمان واقعی:
۲۲	توصیه‌ها:
۲۵	نتیجه:
۲۵	به کارگیری چارچوب تحلیلی برای مطالعات موردی:
۳۱	بخش دوم
۳۴	مقدمه:
۳۷	فصل ۱: آشنایی با جنگ هیبریدی
۴۱	فصل ۲: مقابله با جنگ هیبریدی
۵۱	فصل ۳: تشخیص جنگ هیبریدی
۶۱	فصل ۴: جلوگیری از تجاوزات هیبریدی
۷۷	فصل ۵: پاسخ به حملات هیبریدی فراتر از بازدارندگی
۹۱	فصل ۶: توسعه تشکیلات سازمانی
۹۹	پیوست A
۱۰۹	واژه‌نامه
۱۱۴	پیوست B

بخش اول:

آشنایی و مقابله با جنگ ترکیبی

thbook.ir

## چکیده:

اجماع بین‌المللی در مورد «جنگ ترکیبی» ضروری است: هیچ‌کس آن را درک نمی‌کند، اما همه، از جمله ناتو و اتحادیه اروپا، موافق هستند که این یک مشکل است. این پژوهش بر این نظر است که برای حل یک مشکل، ابتدا باید آن را درک کرد. سپس چارچوبی را تعیین می‌کند که تحت عملیات توسعه قابلیت چندملیتی<sup>1</sup> (MCDC) مقابله با جنگ هیبریدی<sup>2</sup> (CHW) توسعه یافته است.

اولین گام، ایجاد یک شناخت پایه از جنگ هیبریدی بر اساس آخرین ادبیات و شواهد تجربی است. ارزیابی پایه به منظور رفع سردرگمی مفهومی در مورد جنگ ترکیبی و ایجاد یک زبان مشترک برای توصیف این مفهوم است. این زبان مشترک جنگ هیبریدی را به عنوان استفاده هم‌زمان از ابزارهای متعدد قدرت متناسب با آسیب‌پذیری‌های خاص در طیف کامل عملکردهای اجتماعی برای دستیابی به اثرات هم‌افزایی توصیف می‌کند.

تازگی نسبی جنگ ترکیبی در توانایی یک بازیگر برای همگام‌سازی چندین ابزار قدرت به طور هم‌زمان و بهره‌برداری آگاهانه از خلاقیت، ابهام، غیرخطی بودن و عناصر شناختی جنگ نهفته است. جنگ ترکیبی که توسط بازیگران دولتی یا غیردولتی انجام می‌شود، معمولاً به گونه‌ای طراحی می‌شود که زیر آستانه آشکارسازی و پاسخ باقی بمانند و اغلب بر سرعت، حجم و فراگیر بودن فناوری دیجیتال که مشخصه عصر اطلاعات کنونی است، متکی هستند.

بنابراین، نتیجه می‌گیریم که جنگ ترکیبی در حال حاضر فراگیر و گسترده است، و توسط بازیگران دولتی و غیردولتی استفاده می‌شود، و احتمالاً به عنوان یک چالش رشد می‌کند و تلاش‌های جدید کشورها را نیز برای درک تهدیدی که ایجاد می‌کند توجیه می‌کند. ارزیابی پایه به عنوان یک سند، همراه این گزارش گنجانده شده است، اما یافته‌های آن بر این اساس استوار است و در سرتاسر این نوشته به آن اشاره شده است. بخش دوم پروژه MCDC CHW ایجاد چارچوبی برای کمک به کشورها برای درک و تفکر در مورد چگونگی بازدارندگی، کاهش و مقابله با این تهدید است. بدنه اصلی این بخش به توسعه و توصیف این چارچوب که معروف به چارچوب تحلیلی است اختصاص دارد.

<sup>1</sup> . Multinational Capability Development Campaign

<sup>2</sup> . Countering hybrid warfare

چارچوب تحلیلی دارای سه بخش است:

- عملکردهای حیاتی و آسیب‌پذیری‌ها
- همگام‌سازی ابزارهای قدرت و تأثیر آن‌ها
- اثرات غیرخطی بودن

در حالی که این سه بخش به منظور تجزیه و تحلیل از هم جدا شده‌اند، اما باید آنها را به عنوان یک سیستم کامل درک کرد. جنگ ترکیبی یک مورد آموزه‌ای است از "حاصل جمع یک کل که بزرگ‌تر از مجموع هر یک از اجزای آن است". سپس چارچوب به یک ابزار بصری تبدیل می‌شود تا به خواننده کمک کند تا مفهوم را درک کند.

این چارچوب از مجموعه‌ای از گزارش‌های مفصل در مورد پنج مطالعه موردی زیر بهره می‌برد:

- ۱- ایران در سوریه.

- ۲- استفاده روسیه از گاز و ابزارهای وام‌دهی در مناقشه اوکراین.

- ۳- فعالیت‌های داعش در سوریه و مقابله با جنگ هیبریدی عراق.

- ۴- جنگ هیبریدی در بافت شهری.

- ۵- استفاده روسیه از قابلیت‌های سایبری.

این مطالعات موردی ماهیت اکتشافی دارند، اما شواهدی را هم برای حمایت از چارچوب تحلیلی و هم ابزاری برای اعتبارسنجی و اصلاح چارچوب از طریق مثال‌های تجربی ارائه می‌کنند.

ابزار بصری برای نشان دادن برخی از مثال‌ها در مطالعات موردی استفاده می‌شود. این به خواننده کمک می‌کند تا با تطبیق ابزار بصری با نمونه‌های دنیای واقعی، ماهیت جنگ ترکیبی را بهتر درک کند.

در نهایت، بر اساس چارچوب تحلیلی و بینش‌هایی که به دست می‌دهد، برخی توصیه‌های اساسی برای کمک به دولت‌های ملی برای آمادگی بهتر در مقابل جنگ ترکیبی و تهدیداتی که برای منافع آنها ایجاد می‌کند، ارائه شده است. این موارد در زیر تشریح می‌شوند.

### نظریه‌های سیاسی:

- جنگ ترکیبی برای بهره‌برداری از آسیب‌پذیری‌های ملی در طیف سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی، اطلاعاتی و زیرساختی<sup>۱</sup> PMESII طراحی شده است. بنابراین، دولت‌های ملی باید حداقل

1. political, military, economic, social, informational and infrastructure

یک ارزیابی خودارزیابی از عملکردهای حیاتی و آسیب‌پذیری‌ها در تمام بخش‌ها انجام دهند و آن را به طور منظم کنترل کنند.

جنگ ترکیبی از ابزارهای هماهنگ نظامی، سیاسی، اقتصادی، غیرنظامی و اطلاعاتی (MPECI<sup>1</sup>) قدرت استفاده می‌کند، که بسیار فراتر از قلمرو نظامی است. تلاش‌های ملی باید فعالیت‌های ارزیابی تهدید سنتی (مرسوم) را تقویت کند تا ابزارها و قابلیت‌های سیاسی، اقتصادی، مدنی، بین‌المللی (PECI) غیرمتعارف را در بر گیرد. مهم‌تر از همه، این تجزیه و تحلیل باید در نظر بگیرد که چگونه این ابزارهای حمله ممکن است به یک بسته حمله همگام‌سازی شده متناسب با آسیب‌پذیری‌های خاص هدف خود تبدیل شوند.

• جنگ ترکیبی هماهنگ و سیستماتیک است، پاسخ نیز باید این چنین باشد. دولت‌های ملی باید فرایندی را برای رهبری و هماهنگی رویکرد ملی خودارزیابی و سپس تحلیل تهدید ایجاد و تعبیه کنند. این فرایند باید تلاش‌های فرا دولتی را برای درک، شناسایی و پاسخ به تهدیدات ترکیبی هدایت کند.

• تهدیدات ترکیبی یک موضوع بین‌المللی است که باید به آن پاسخ داد. دولت‌های ملی باید یک رویکرد منسجم را بین خود برای درک، شناسایی و پاسخ به جنگ ترکیبی با منافع جمعی خود هماهنگ کنند. چارچوب‌های چندملیتی ترجیحاً با استفاده از نهادها و فرایندهای موجود باید برای تسهیل همکاری و سپس همکاری‌های فرامرزی توسعه یابد.

#### مقدمه:

درک مشترک ما از جنگ هیبریدی کامل نیست، بنابراین توانایی ما را برای بازدارندگی، کاهش و مقابله با این تهدید دچار مشکل می‌کند. پروژه مقابله با جنگ هیبریدی (CHW) و عملیات توسعه قابلیت چندملیتی (MCDC) برای رفع این نقص، با توسعه یک چارچوب تحلیلی، برای درک جنگ هیبریدی طراحی شده است. هدف آن افزایش درک سیاست‌گذاران ملی و چندملیتی و نیروهای مسلح از جنگ هیبریدی به منظور توسعه راه‌حل‌های ممکن برای این تهدید است. برای این منظور، پروژه MCDC CHW از دو بخش اولیه تشکیل شده است. ۱- ارزیابی پایه ۲- چارچوب تحلیلی.

پروژه MCDC CHW همچنین دارای مجموعه‌ای از خروجی‌های ثانویه است مجموعه‌ای از مطالعات موردی جنگ ترکیبی که برای آزمایش و افزایش اعتبار مدل چارچوب تحلیلی با قراردادن آن در

1. military, political, economic, civilian and informational

معرض مثال‌های تجربی طراحی شده‌اند. مطالعات موردی با استفاده از روش کیفی و مقایسه‌ای طراحی شده‌اند تا:

- اطمینان حاصل شود که هر مطالعه موردی به گونه‌ای سازماندهی شده است که امکان آزمایش مدل چارچوب تحلیلی را فراهم کند.
- امکان توسعه ماتریس‌های مقایسه‌ای جدول‌بندی شده جنگ هیبریدی در سراسر مطالعات موردی را فراهم کند.

### ارزیابی پایه:

ارزیابی پایه دو وظیفه خاص را تکمیل می‌کند:

**ابتدا،** سردرگمی مفاهیم و واژگان مربوط به اصطلاح جنگ ترکیبی را برطرف می‌کند و یک «زبان» مشترک ایجاد می‌کند و درعین حال به‌عنوان نقطه شروع برای درک و تجزیه و تحلیل مسئله عمل می‌کند.

**وظیفه دوم** ارزیابی پایه، شناسایی شکاف‌ها در درک ما از جنگ ترکیبی و ترسیم ویژگی‌های مشترک است که می‌تواند به اجزای تحلیلی عمومی تبدیل شود تا به‌عنوان مبنایی برای تحول دوم، یعنی چارچوب تحلیلی، عمل کند.

### چارچوب تحلیلی:

چارچوب تحلیلی چهار وظیفه اصلی دارد:

- **اول،** یک مدل اکتشافی عمل‌گرا و سیاست‌مدار برای درک جنگ هیبریدی، سه بخش به‌هم‌پیوسته ارائه می‌دهد.

این بخش‌ها عبارتند از:

- عملکردها و آسیب‌پذیری‌های حیاتی مدافع.

- استفاده هم‌زمان مهاجم از ابزارهای متعدد و بهره‌برداری از تشدید افقی.

- اثرات خطی و غیرخطی یک حمله جنگی هیبریدی.

- **دوم،** مثال‌های گرافیکی ارائه می‌کند، و توضیح می‌دهد که چگونه این تجسم‌ها به درک ما از تهدید کمک می‌کنند.

- **سوم،** چارچوب تحلیلی، نمایشی از کاربرد آن در یک زمینه خاص ارائه می‌دهد.

• **چهارم**، توصیه‌هایی برای توسعه راه‌حل‌های آینده برای بازدارندگی، کاهش و مقابله با تهدیدات جنگ هیبریدی ارائه می‌کند.

### تشریح جنگ هیبریدی:

اگرچه بازیگران دولتی و غیردولتی هر دو در جنگ‌های ترکیبی شرکت می‌کنند، اما در ابزار و اقدامات خود بسیار متفاوت هستند. همان‌طور که گفته شد، همه آنها توانایی همگام‌سازی ابزارهای مختلف قدرت را در برابر آسیب‌پذیری‌های خاص برای ایجاد اثرات خطی و غیرخطی نشان می‌دهند. ارزیابی پایه با تمرکز بر این ویژگی‌های قابلیت‌های بازیگران جنگ ترکیبی، همراه با آسیب‌پذیری‌های هدف در این مناطق و سپس پوشاندن آن‌ها با ابزار و عوامل، توانست توصیفی کلی از جنگ هیبریدی ایجاد کند.

در اینجا جنگ ترکیبی را این‌گونه توصیف می‌کنیم:

**استفاده هم‌زمان از ابزارهای متعدد قدرت متناسب با آسیب‌پذیری‌های خاص در سراسر طیف کامل عملکردهای اجتماعی برای دستیابی به اثرات هم‌افزایی.**

ارزیابی پایه به این نتیجه رسید که جنگ ترکیبی نامتقارن است و از ابزارهای قدرت متعدد در امتداد یک محور افقی و عمودی استفاده می‌کند و به درجات متفاوتی بر خلاقیت، ابهام و عناصر شناختی جنگ تأکید بیشتری دارد. این امر جنگ ترکیبی را از یک رویکرد مبتنی بر جنگ فرسایشی جدا می‌کند که در آن یکی از نظر کیفی یا کمی با قدرت دیگری مطابقت دارد تا توانایی‌های حریف را کاهش دهد.<sup>۱</sup>

شکل ۱ نشان می‌دهد که چگونه یک بازیگر جنگ ترکیبی می‌تواند ابزارهای قدرت نظامی، سیاسی، اقتصادی، غیرنظامی، اطلاعاتی (MPECI) خود را برای تشدید عمودی و افقی مجموعه‌ای از فعالیت‌های خاص برای ایجاد اثرات، همگام کند. همچنین نشان می‌دهد که چگونه یک بازیگر جنگ ترکیبی می‌تواند با افزایش شدت یک یا چند ابزار قدرت، به صورت عمودی مقتدر شود، و یا به طور افقی از طریق همگام‌سازی چندین ابزار قدرت برای ایجاد اثراتی بیشتر از تشدید عمودی اقتدار کسب کند.

---

۱. به دلیل مشکلاتی که در توافق با یک تعریف مشترک از اصطلاح «جنگ هیبریدی» وجود دارد، این پروژه به جای تعریف چالش، بر توصیف آن تمرکز داشت.



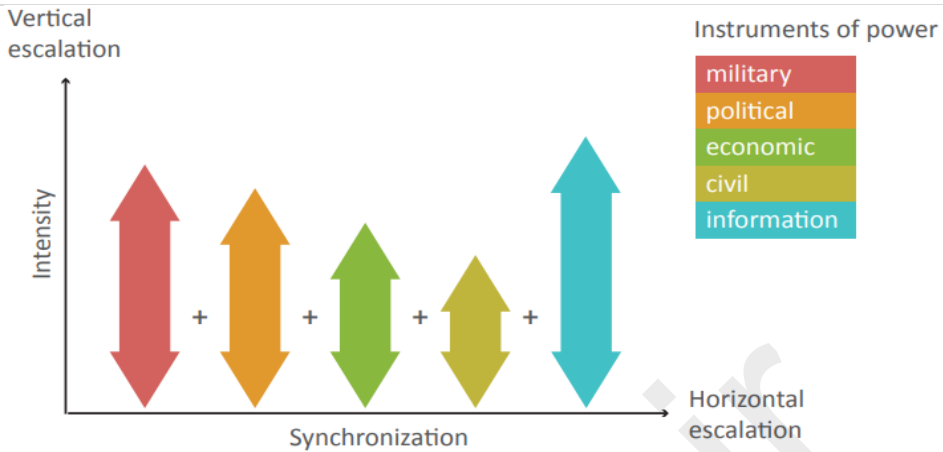


Figure 1 – Hybrid warfare escalation

### شکل ۱ - تشدید جنگ هیبریدی

نکته کلیدی، درک این نکته است که، ابزارهای مختلف قدرت در ابعاد مختلف و در سطوح مختلف به طور هم‌زمان به صورت هماهنگ استفاده می‌شوند. این نوع تفکر به بازیگران جنگ ترکیبی اجازه می‌دهد تا از ابزارهای مختلف MPECI در اختیار خود برای ایجاد بسته‌های حمله هم‌زمان (SAP) استفاده کنند که به طور خاص برای آسیب‌پذیری‌های درک شده سیستم هدف طراحی شده‌اند. ابزار قدرت مورد استفاده به توانایی‌های بازیگر جنگ ترکیبی و آسیب‌پذیری‌های درک شده حریف و همچنین اهداف سیاسی بازیگر جنگ ترکیبی و راه‌های برنامه‌ریزی شده آن برای دستیابی به این اهداف بستگی دارد. مانند تمام درگیری‌ها و جنگ‌ها، ویژگی جنگ ترکیبی به زمینه بستگی دارد.

### آشنایی با جنگ هیبریدی:

با توجه به این دیدگاه، درک یک دشمن جنگ ترکیبی به دلایل مهم تنها به تجزیه و تحلیل تهدید سنتی بر اساس توانایی و هدف آن نمی‌پردازد.

- اول، جنگ هیبریدی از مجموعه وسیع‌تری از ابزارها و تکنیک‌های MPECI استفاده می‌کند که معمولاً در ارزیابی‌های تهدید مرسوم به آنها نگاه نمی‌شود.
- دوم، آسیب‌پذیری‌ها (PMECII) را در جوامع به شیوه‌هایی هدف قرار می‌دهد که ما به طور معمول به آن فکر نمی‌کنیم.

• سوم، وسایل خود را با روش‌های بدیع هماهنگ می‌کند. برای مثال، تنها با نگاه کردن به ابزارهای مختلف قدرتی که یک دشمن در اختیار دارد، نمی‌توان لزوماً پیش‌بینی کرد که چگونه و تا چه حد ممکن است آنها برای ایجاد تأثیرات خاص هماهنگ شوند. بنابراین، توانایی‌های عملکردی یک دشمن جنگ ترکیبی، اگرچه مهم است، اما لزوماً اطلاعات مناسبی برای درک مشکل ارائه نخواهد کرد.

• چهارم، جنگ ترکیبی عمداً از ابهام، خلاقیت و درک ما از جنگ استفاده می‌کند تا حملات را کمتر «مشاهده» کند. این به دلیل این واقعیت است که می‌توان آن‌ها را طوری طراحی کرد که زیر آستانه‌های شناسایی و واکنش خاص، از جمله آستانه‌های قوانین بین‌المللی، باقی بمانند، بنابراین فرایند تصمیم‌گیری را مختل کرده و واکنش به یک حمله جنگ ترکیبی را سخت‌تر می‌کند.

• پنجم، مسلماً و به همین ترتیب، بیش از انواع متعارف جنگ، یک عملیات جنگ ترکیبی ممکن است تا زمانی که به خوبی در جریان نباشد دیده نشود، با اثرات مخربی که قبلاً از خود نشان داده توانایی هدف را برای دفاع از خود کاهش داده است.

مسائلی که در بالا توضیح داده شد، مبنایی را برای گسترش تحلیل سنتی تهدید با محوریت دشمن فراهم می‌کند. برای این منظور، مدل چارچوب تحلیلی بر آسیب‌پذیری‌های مدافع، توانایی مهاجم جنگ هیبریدی برای همگام‌سازی طیف گسترده‌ای از قابلیت‌های خود در طول حمله، و اثرات ایجاد شده در نتیجه این اقدامات در برابر آسیب‌پذیری‌های خاص خود بر هدف موردنظر تمرکز می‌کند.

## ساخت چارچوب تحلیلی:

### درک سه مقوله کلیدی آن:

چارچوب تحلیلی بر سه دسته مجزا و درعین حال درهم تنیده استوار است. درحالی که در اینجا به صورت تحلیلی از هم جدا می‌شوند، باید به طور هماهنگ درک شوند، زیرا اثرات مجموع جنگ‌های ترکیبی بیشتر از هر بخش جداگانه است.

• عملکردهای حیاتی و آسیب‌پذیری‌ها.

• همگام‌سازی ابزارها (تشدید افقی).

• اثرات و غیرخطی بودن.

### عملکردها و آسیب‌پذیری‌های حیاتی:

عملکردهای حیاتی، فعالیت‌ها یا عملیاتی هستند که در سراسر طیف سیاسی، نظامی، اقتصادی،

اجتماعی، اطلاعاتی، زیرساختی (PMESII) توزیع می‌شوند که در صورت توقف، می‌تواند منجر به اختلال در خدماتی شود که یک سیستم کاری (به‌عنوان مثال، یک دولت، جامعه یا یک بخش فرعی به آن) وابسته است.

کارکردهای حیاتی را می‌توان به ترکیبی از بازیگران (به‌عنوان مثال، افراد یا سازمان‌ها)، زیرساخت‌ها (به‌عنوان مثال، شبکه‌های برق ملی «بحرانی») و فرایندها (به‌عنوان مثال، حقوقی/قانونی، فنی، سیاسی) تقسیم کرد.

مثال: بهره‌برداری از آسیب‌پذیری‌ها، شکاف‌های عمیق فرقه‌ای، قومی و اقتصادی در جامعه سوریه توسط غرب و داعش برای دستیابی به اهداف استراتژیک خود مورد سوءاستفاده قرار گرفت.

همه عملکردهای حیاتی دارای آسیب‌پذیری‌هایی هستند که یک حریف یا بازیگر جنگ ترکیبی بسته به ابزار و شرایط ممکن است که در اختیار دارد، از آن بهره‌برداری می‌کند. با این حال، درک این نکته مهم است که همه آسیب‌پذیری‌ها لزوماً خود را به‌عنوان فرصت‌هایی برای رقیب برای سوءاستفاده نشان نمی‌دهند. از طرف دیگر، یک دشمن ممکن است بسته به اهداف خود، از یک آسیب‌پذیری خاص بهره‌برداری نکند. علاوه بر این، آسیب‌پذیری‌ها در توابع حیاتی ممکن است برای یک سیستم هدف شناخته نشده باشد (به‌عنوان مثال، آسیب‌پذیری‌های ناشناخته مانند یک حمله سایبری روز صفر)، ممکن است خود را فقط در صورت آشکار شدن رویدادها نشان دهند.

مقابله با جنگ هیبریدی مستلزم ارزیابی عملکردهای حیاتی، وابستگی متقابل این عملکردها و آسیب‌پذیری آنها است. این «نگاه به خود» مستلزم یک فرایند ارزیابی ریسک است که به آسیب‌پذیری‌ها در سراسر جامعه مدنی حساس باشد و نه فقط در بخش نظامی یا امنیتی. درحالی‌که چنین ارزیابی به‌خودی‌خود بدون توجه به جنگ هیبریدی ارزشمند است، درک جنگ هیبریدی به‌عنوان نوعی اقدام که به طور خاص برای آسیب‌پذیری‌ها طراحی شده است به این معنی است که جنگ هیبریدی را نمی‌توان بدون اشاره به آن آسیب‌پذیری‌ها درک کرد. **نتایج این خودارزیابی جنگ هیبریدی از یک سیستم هدف به سیستم دیگر متفاوت خواهد بود هر ارزیابی منحصر به فرد و بسیار زمینه‌ای است.**

مثال ۴: بهره‌برداری از آسیب‌پذیری‌ها. در می ۲۰۱۴ هکر روسی گروه CyberBerkut از آسیب‌پذیری‌های سایبری (روتورها، نرم افزار و هارد دیسک) کمیسیون ملی انتخابات اوکراین استفاده کرد تا اعتبار انتخابات را تضعیف کند.

### همگام‌سازی ابزارها و تشدید افقی

همگام‌سازی توانایی یک بازیگر جنگ ترکیبی برای هماهنگی مؤثر ابزارهای قدرت (MPECI) در زمان، مکان و هدف برای ایجاد اثرات موردنظر است. توانایی همگام‌سازی ابزارهای نظامی و غیرنظامی به طور هم‌زمان در یک فضای نبرد یک ویژگی کلیدی یک بازیگر جنگ ترکیبی به حساب می‌آید. گزینه‌های مهاجم برای مثال، با افزایش در امتداد محور افقی طیف (MPECI) از طریق همگام‌سازی ابزارهای مختلف قدرت، بازیگر جنگ ترکیبی می‌تواند زیر آستانه‌های تشخیص و پاسخ معین باقی بماند. با استفاده از این روش (همگام‌سازی)، آنها می‌توانند به همان اندازه یا حتی بیشتر اعمال زور کنند. و یک ابزار قدرت را به صورت عمودی افزایش دهند. به عبارت دیگر، از طریق تشدید افقی یک بازیگر جنگ ترکیبی می‌تواند جلوه‌هایی مشابه یا حتی بزرگ‌تر را ایجاد کند. این اعمال قدرت می‌تواند از، ابزار نظامی یا سیاسی قدرت، به دلیل اثرات چندبرابری نیرو استفاده کند.

مثال ۵: در پاییز ۲۰۱۳، ایران حملات سایبری و تبلیغاتی را برای تأثیرگذاری بر محاسبات آمریکا و متحدانش، به منظور جلوگیری از مداخله خارجی در سوریه، با تهدیدات عملیات ویژه هم‌زمان کرد. همگام‌سازی همچنین امکان تنش‌زدایی یک یا چند ابزار قدرت و یا جابه‌جایی بین ابزارها را فراهم می‌کند، درحالی‌که تشدید کلی را در سطح معینی حفظ می‌کند. همچنین می‌توان از یک ابزار به عنوان یک هویج برای اقدامات جبرانی استفاده کرد، درحالی‌که دیگران به اجبار، به عنوان چوب از آن استفاده می‌کنند. در اصل، همگام‌سازی و تشدید افقی گزینه‌های بیشتری را در اختیار مهاجم قرار می‌دهد تا اینکه به تنهایی از تشدید عمودی غیرهمگام استفاده کند. مهم‌تر از همه، بسیاری از کارهایی که در محور افقی انجام می‌شود می‌تواند مبهم باشد یا از دید پنهان باشد (به عنوان مثال، عملیات سایبری)، یا باهدف نامشخص انجام شده باشد؛ مانند سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های حیاتی خارجی، یا به راحتی قابل تعریف به عنوان یک اقدام خصمانه و تهاجمی نباشد (مثلاً تحریک اعتراض غیرخوشونت‌آمیز).

### چندین مزیت همگام‌سازی برای مهاجم:

- ۱- توانایی تطبیق ابزارها و آسیب‌پذیری‌ها در برابر اثرات
- ۲- توانایی استفاده از اجبار درحالی‌که زیر آستانه‌های شناسایی هدف قرار می‌گیرد.
- ۳- توانایی استفاده از اجبار درحالی‌که زیر آستانه پاسخ هدف قرار می‌گیرد.

۴- تشدید و کاهش تنش به طور هم‌زمان آسان تر است.

مثال ۶: همگام‌سازی: به موازات برپایی اردوگاه‌های آموزشی مخفی، داعش دفاتر تبلیغی برای انتشار پیام سلفی خود در جوامع محلی و همچنین جمع‌آوری اطلاعات در مورد تمام ساختارهای اجتماعی ایجاد کرد.

### اثرات و غیر خطی بودن:

در جنگ هیبریدی، اثرات به‌عنوان تغییر وضعیت یک موجودیت درک می‌شود. آنها نتایج اقدامات هماهنگ شده در برابر آسیب‌پذیری‌های خاص یک سیستم هدف هستند. توانایی یک بازیگر جنگ ترکیبی برای همگام‌سازی ابزارها در برابر آسیب‌پذیری‌های خاص برای ایجاد اثرات به این معنی است که نمی‌توان زنجیره خطی علت و معلولی را به‌آسانی تشخیص داد. هر چه عناصر بیشتر در ترکیب باشند، تشخیص علیت دشوارتر می‌شود.

مثال ۷: اثر غیرخطی پیامد غیرقابل پیش‌بینی متقاعد کردن اوکراین برای کنار گذاشتن مذاکرات اتحادیه اروپا، اعتراض در میدان و برکناری رئیس‌جمهور بود که روسیه با آن سازگار شد و از آن بهره برد. عمل الف لزوماً به نتیجه منتهی نمی‌شود. یک عمل ممکن است در زمینه‌های متفاوت اثرات متفاوتی ایجاد کند. اگرچه امکان تحلیل اثرات از طریق پیامد وجود دارد. تجزیه و تحلیل تأثیر برخی اقدامات بسیار خاص انجام شده، بستگی به بستر رسیدن به اهداف خاص خودش را دارد، (به‌عنوان مثال، منفجر کردن یک سد منجر به جاری‌شدن سیلی می‌شود، به‌اندازه مقدار آب موجود در مخزن و مقدار خسارت نیز متناسب با آب موجود می‌باشد). در حالی که برخی از اشکال غیرخطی بودن باعث تجزیه و تحلیل می‌شود، علیت و اثرات مرتبه دوم و سوم ممکن است در آینده قابل درک و مشاهده باشد، غیرخطی بودن، تجزیه و تحلیل و به‌ویژه پیش‌بینی بر اساس مثال‌های تجربی گذشته را بسیار دشوار می‌کند. مشکل اثرات غیرخطی این است که آنها را فقط زمانی می‌توان "دید" که آشکار شده‌اند. آنها طبق تعریف غیرقابل پیش‌بینی هستند، اگر بخواهند از تأثیرات مختلف اعمال خود بهره ببرند، باید بسیار سازگار باشند.

شکل ۲- تجسم جنگ هیبریدی برای اهداف اکتشافی، شکل ۲ نشان می‌دهد که چگونه هر یک از سه عنصر جنگ ترکیبی ممکن است در یک گرافیک واحد نمایش داده شوند. (حمله نظامی در طیف اطلاعاتی منجر به یک اثر مرتبه اول در طیف‌های اطلاعاتی و سیاسی می‌شود که وضعیت هدف را به